

## نقش سلاح های تاکتیکی هسته ای در سیاست های سازمان ناتو:

### به سوی بهینه سازی یا انحلال؟

روبرت چولدا

استادیار علوم سیاسی، دانشگاه لودز، کشور لهستان  
[rczulda@uni.lodz.pl](mailto:rczulda@uni.lodz.pl)

چکیده:

تقریباً در تمام دوره جنگ سرد (۱۹۴۵-۱۹۹۱) سلاح هسته ای تاکتیکی یکی از ستون های دکترین تحذیر یا ترسانیدن ترموهسته ای سازمان ناتو بود، و قرار بر این گذاشته شده بود که این سلاح ها علی البدلی برای سلاح ها و نیروهای قرار دادی این سازمان باشند، و در هنگام تعرض اتحاد جماهیر شوروی به اروپای غربی، از طرف سازمان ناتو برای حمله و از بین بردن واحدهای نظامی "پیمان ورشو" مورد استفاده قرار گیرند. در حال حاضر، بعد از گذشت سال ها از اتمام جنگ سرد، تعداد گروه هایی که مخالف نگه داری سلاح های تاکتیکی هسته ای در پایگاه های سازمان ناتو در اروپای غربی، زیاد شده است، و حقیقت هم این است که این سلاح ها از دیدگاه نظامی ارزش جنگی-تهاجمی آنچنانی، ندارند. با این وجود کشور های عضو سازمان ناتو هم هنوز تصمیم الزام آوری مبنی بر آینده سلاح های تاکتیکی هسته ای خود را، اتخاذ نکرده اند. موضوع و هدف اصلی این مقاله تجزیه و تحلیل برخورد کشورهای عضو سازمان ناتو با سلاح های هسته ای موجود و سیر تحولی و تغییر شکل آن ها و سناریوهای احتمالی مربوط به آن ها، می باشد. سؤال اصلی مطرح شده در این مقاله هم این است که: آیا سازمان ناتو باید به سوی بهینه سازی سلاح های هسته ای خود برود؟ و یا باید سعی کند تا زرادخانه های سلاح های تاکتیکی ترموهسته ای خود را منحل کند؟

واژه های کلیدی: سیاست های هسته ای، سازمان ناتو، امنیت، مقوله دفاع، دکترین دفاع

### منشاء سیاست های هسته ای سازمان ناتو

در عصر حاضر برای فهم و معرفی و تجزیه و تحلیل مقوله سلاح های هسته ای، لازم است تا به منشاء آن رسیدگی شود، این عمل به ما اجازه می دهد تا بتوانیم تعریف و تصویر بهتری از سیر تحولی و اهمیت سلاح های هسته ای در سیاست های دفاعی سازمان ناتو، به دست بدهیم. بدون اغراق می توان گفت که: سلاح های هسته ای نقش مهمی را در دوره جنگ سرد ایفا می کردند. در دوره اول جنگ سرد، ایده موسوم به تلافی با انجام حملات متعدد توده ای حاکم بود که در سال ۱۹۵۴ مورد قبول دفتر ریاست جمهوری "آیزنهاور" در آمریکا واقع شد و چندی بعد در سال ۱۹۵۷ سازمان ناتو آن را جذب کرد<sup>۱</sup>. بعد از مدتی این ایده با مرور و تغییراتی که وزیر دفاع آمریکا "روبرت مک نامارا" و رئیس جمهور وقت "جان اف کندی" در آن به وجود آوردند، به دکترین "عکس العمل انعطاف پذیر" تبدیل شد که البته این تغییر در مورد احتمال استفاده از سلاح های هسته ای بود و در نقش اصلی آن دگرگونی ایجاد نکرد. اکثریت به آراء هم در آن زمان بر این عقیده بودند

<sup>1</sup> P. Duignan, *NATO: Its Past, Present, and Future*, Stanford 2000, p. 22. See also: S. Pifer, *NATO, Nuclear Weapons and Arms Control*, Brookings Institute 2011, p. 5 – 8.

که ، در قبال برتریت کمی ارتش جماهیر شوروی ، سلاح های سوق الجیشی و تاکتیکی هسته ای می توانند جانشینی برای نیروهای مسلح قرار دادی سازمان ناتو، محسوب شوند. در ضمن دلیل مالی هم وجود داشت ، چون هزینه ایجاد سلاح های هسته ای از هزینه سلاح های قراردادی مثل ساخت و خرید بمب افکن های استراتژیکی و ناوبر ها و حتی تانک ها، بسیار کمتر می شد. بنا براین هیچ جای تعجبی وجود نداشت که در پایان دهه شصت میلادی در انبار های تسلیحاتی اروپای غربی تعداد ۷۰۰۰ هزار بمب هسته ای وجود داشت که در دهه بعد تعداد آن ها به ۸۰۰۰ رسید.<sup>۲</sup>

در دهه شصت میلادی اصول و ضوابطی تعیین شدند که تا به امروز مورد قبول می باشند و میتوان آن ها را چنین مختصر کرد: تقسیم مسئولیت سیاسی و ریسک های ناشی از استفاده از سلاح های هسته ای در بین کشور های عضو سازمان ناتو و استفاده از سلاح های هسته ای در چارچوب عملیات های سازمان ناتو به وسیله ایالات متحده آمریکا. بر اساس تفاهم نامه های منعقد شده ، بعضی از کشور های عضو سازمان ناتو موظف شدند تا در ایجاد پایگاه های بمب های هسته ای آمریکا در کشور شان ، بکوشند و بعضی دیگر مسئولیت حمل و نقل این سلاح ها را به عهده بگیرند که در این رابطه می توان به کشور هائی مانند: کانادا و ترکیه و یونان ، اشاره کرد. کشورهای دیگری مانند ایتالیا و هلند و بلژیک و آلمان تا به امروز این سلاح های هسته ای را در کشورهای خود ، انبار کرده اند. از طرفی به تحقق در آوردن اصل "تقسیم مسئولیت ها" یک بعد سیاسی مهم و حیاتی هم داشت و باعث خنثی شدن بلند پروازی احتمالی کشور هائی مانند: آلمان و ایتالیا که قصد ایجاد پایگاه های تسلیحات هسته ای مختص خود را داشتند ، شد.

باید اذعان کرد که ، چنین راه حلی نتیجه منفی هم در پی داشت و آن این بود که ، اروپا تا به امروز تحت سلطه و زیر چتر هسته ای آمریکا ، باقی مانده است و فقط دوکشور در قاره پیر وجود دارند که ، دارای تسلیحات ترموهسته ای می باشند. یکی از این کشور ها فرانسه است که در سال ۱۹۶۶ در هنگام ریاست جمهوری "شارل دوگل" تصمیم به خروج از ساختار های سازمان ناتو را گرفت (البته این تصمیم در سال ۲۰۰۹ از طرف "سارکوزی" لغو شد). لازم به یاد اور نیست که سلاح های هسته ای فرانسه تا به امروز از حوزه مرکز فرماندهی سازمان ناتو به دور می باشند و موجودیت مستقل داشته و خود کفا عمل می کنند. همین مسئله در مورد انگلستان هم صادق است که علی رغم اعلام آمادگی در به اشتراک گذاشتن سلاح های هسته ای با متفقین خود ، حق تصمیم گیری و استفاده از چنین سلاح هائی را برای خود محفوظ نگاه داشته است.<sup>۳</sup> در عمل چنین است که: در هنگام وقوع جنگ ، سازمان ناتو فقط می تواند روی سلاح های هسته ای ایالات متحده آمریکا ، حساب کند (هم سلاح های هسته ای استراتژیکی و هم تاکتیکی).

2 H.F. York, *The Advisors: Oppenheimer, Teller, and the Superbomb*, Stanford University Press: Stanford 1976, p. 137.

3 S. Croft, A. Dorman, W. Rees, M. Uttley, *Britain and Defence 1945-2000*, Routledge: New York 2013, p. 54-56. H. Beach, N. Gurr, *Flattering the Passions: Or, the Bomb and Britain's Bid for a World Role* IB Tauris: London-New York 1999, p. 118.

## - تقلیل های کمی در زرادخانه های هسته ای

همانطور که در بالا خاطر نشان شد ، ایالات متحده آمریکا تعداد قابل توجهی از سلاح های هسته ای تاکتیکی خود را در اروپا جا دادند تا بتوانند در هنگام بحران و وقوع جنگ ، این سلاح ها را در اختیار واحد های نظامی که قصد حمله شدید به نیروهای مسلح پیمان ورشو را داشتند ، بگذارند. در پیمان " منع موشک های هسته ای میان برد " که در ژوئن سال ۱۹۸۷ بین آمریکا و شوروی ، منع شد (تقلیل موشک هائی با برد متوسط و برد بالای متوسط از ۵۰۰ - ۵۵۰۰ کیلومتر) تقلیل سلاح های هسته ای تاکتیکی را در بر ، نداشت. باید گفت که: عمل تقلیل در سازمان ناتو به دلیل تصمیم گیری یکجانبه ایالات متحده آمریکا بود که تعداد بسیاری از کلاهک های هسته ای خود را (تقریباً ۴۰۰۰) از اروپای غربی عقب راند.<sup>۴</sup>

در همین دوره هم سازمان ناتو بر اساس مصوبه ای که در سال ۱۹۸۳ در " مونته بلو " تعیین شده بود ، تصمیم به بهینه سازی موشک های کوتاه برد خود گرفت ، اما به دلیل فشار های سیاسی (به خصوص از طرف برلین) این عمل هرگز به مرحله اجرا در نیامد. در ضمن برنامه جانشین کردن بمب های هوائی "بی-۶۱" به موشک های زمین به زمین مدل " بی-جی - ام - ۱۰۹ - جی " گریفون جی- ال- سی- ام " (موشک های کروز) و موشک های بالیستیکی با برد متوسط مدل " پرشینگ - ۲ " ام- جی- ام - ۳۱- بی " ، عملی نشد ، چون هر دو موشک مذکور بر اساس پیمان "منع موشک های هسته ای میان بر " می بایست از بین می رفتند.<sup>۵</sup> مهم اینجا است که سلاح های تاکتیکی هسته ای سازمان ناتو هنوز شامل قراردادی که بتواند آن ها را تحت کنترل تسلیحاتی قرار دهد ، نشده اند و همچنان به عنوان یک ستون دفاعی برای این سازمان ، محسوب می شوند. روش برخورد و رفتار با این چنین سلاح هائی در سند "ایده استراتژیکی سازمان ناتو از سال ۱۹۹۱" درج شده است ، که بعداً به همان شکل و بدون هیچ تغییری در سند بعدی از سال ۱۹۹۹ ، تأیید شد. در سند مذکور تأکید شده است که ، سازمان ناتو برای تضمین در ترساندن موثر دشمن ، از روش تلفیق و کاربرد از دو نیروی مسلح قرار دادی و نامتعارف هسته ای مستقر خود در اروپا ، استفاده خواهد کرد.<sup>۶</sup>

در سال ۱۹۹۱ رونسای جمهوری دو کشور ایالات متحده آمریکا و جماهیر شوروی آقایان " جرج بوش " و " میخائیل گورباچوف" اعلام کردند که: بسیاری از سلاح های تاکتیکی هسته ای از اروپا خارج خواهند ، شد. هر دو رئیس جمهور هم اعتراف کردند که: این سلاح ها هیچ ارزش جنگی - تهاجمی ندارند (جنبه مترسک داشتند - مترجم).<sup>۷</sup> ایالات متحده هم در آن زمان توپخانه ها یا مراکز پرتاب کلاهک های هسته ای خود را منحل کردند. روس ها هم مجبور شدن تا در چار چوب عقب نشینی نیروهای مسلح خود از کشور های عضو پیمان ورشو ، سلاح های تاکتیکی هسته ای خود را به حوزه قلمرو خود ، انتقال دهند. دو دهه بعد در سال

<sup>4</sup> R. Weitz, *The Historical Context*, [in:] T. Nichols, D. Stuart, J.D. McCausland [ed.], *Tactical Nuclear Weapons and NATO*, U.S. Army War College - Strategic Studies Institute 2012, p. 8.

<sup>5</sup> H. Skaarup, *Ohio Warbird Survivors 2003: A Handbook on Where to Find Them*, Lincoln 2003, p. 126.

<sup>6</sup> NATO (1999): *The Alliance's Strategic Concept*, paragraph 64.

<sup>7</sup> *The Presidential Nuclear Initiatives (PNIs) on Tactical Nuclear Weapons at a Glance*, Arms Control Association, August 2013, [[www.armscontrol.org](http://www.armscontrol.org)].

۲۰۱۰ آمریکائی ها بر اساس تصمیمی از عرشه کشتی های حامل خود ، آخرین محموله سیستم های تاکتیکی هسته ای دریائی این کشور را برای همیشه ، کنار کشیدند که در این میان میتوان به – موشک های مانوری مدل " بی-جی-ام -۱۰۹ توماهاوک " با ورشن " تی-ال-ای-ام/ان (توماهاوک – موشک های هسته ای آفند زمینی) اشاره کرد.

براساس اطلاعات غیر رسمی گفته می شود که: این سیستم ها عملا عقب رانده شده اند و به احتمال زیاد آن ها را برای وفق دادن در حمل کلاهک های قراردادی ، باز سازی خواهند کرد.<sup>۸</sup> در اروپا همچنان ذخائر بمب های هوائی " بی-۶۱ " که فقط از طریق بمب افکن های استراتژیکی قابل حمل و نقل می باشند ، وجود دارند و بمب های مدل " بی-۸۳ " تنها بمب های هوائی هسته ای هستند که در زراد خانه های ایالات متحده آمریکا ، موجود می باشند.

برهنگان آشکار است که حضور سلاح های هسته ای تاکتیکی آمریکا در حوزه قاره اروپا تا به امروز ، امر غریبی نیست. فقط معلوم نیست که دقیقا چه تعدادی از بمب های " بی-۶۱ " در اروپا انبار شده و در کجا مخفی شده اند؟ تخمین زده می شود که در سال ۲۰۰۱ تعداد ۴۸۰ بمب " بی-۶۱ " (با قدرت انفجار متغییر) انبار شده بود ، که تاریخ عقب نشینی و خروج آن ها از نیروهای مسلح ، سال ۲۰۱۵ تعیین ، شده است.<sup>۹</sup> در حال حاضر فقط از ۱۶۰ تا ۲۰۰ بمب در پایگاه های قاره پیر (اروپا) ، باقی مانده است.<sup>۱۰</sup> این بدین معنی است که در مقایسه با دوران حاد جنگ سرد تا به الان ، کاهش ۹۵ درصدی در تقلیل سلاح های هسته ای ، وجود داشته است. این تسلیحات هسته ای هم در آن زمان و هم در حال حاضر در مالکیت ایالات متحده آمریکا قرار داشتند ، ولی در هنگام جنگ این سلاح ها می توانند در اختیار نیروهای مسلح سازمان ناتو هم قرار گیرند و سازمان ناتو هم می تواند با تضمین حمل و نقل آن ها ، حق به کار بری از آن ها را داشته باشد.

چنین ارزیابی می شود که آمریکائی ها تعداد ۲۰ بمب در پایگاه نیروی هوائی " فلیگرهورست " در منطقه " نادرنی- پالاتینات " در آلمان دخیره کرده اند که در آن گردان هوائی هواپیماهای شکاری- بمب افکن " لوفت وافه " موسوم به: " یاگ بومبر گشوادر – ۳۳ " مستقر است و مجهز به هواپیما های مدل " تورنادو – آی-دی-اس " می باشد. آلمانی ها که در دوران جنگ سرد محدودیت زیادی برای استفاده از بمب های هسته ای ناتوئی - آمریکائی داشتند ، در حال حاضر به شکل دوره ای روش استفاده از آن را تمرین می کنند. تمرینات مذکور همچنین شامل شبیه سازی پرتاب بمب به اهداف تعیین شده با استفاده از هواپیماهای "تورنادو " هم ، می باشند. لازم به تذکر است که تا آخر دهه قبل این تعداد بمب از پگایگاه های ذیل خارج شد: ۱- تعداد ۱۳۰ بمب " بی-

<sup>8</sup> T. Valasek, *Central Europe and NATO's Nuclear Deterrent*, [in:] M. Chalmers, A. Somerville [ed.], *If the Bombs Go. European Perspectives on NATO's Nuclear Debate*, Royal United Service Institute for Defence and Security Studies 2011, p 19 ; H.M. Kristensen, *US Navy Instruction Confirms Retirement of Nuclear Tomahawk Cruise Missile* FAS Strategic Security Blog, 18/03/2013, [www.blogs.fas.org].

<sup>9</sup> H.M. Kristensen, *Status of U.S. Nuclear Weapons in Europe 2010*, Federation of American Scientists 2010, p.1, [www.fas.org]

<sup>10</sup> H.M. Kristensen, *Non-Strategic Nuclear Weapons*, Federation of American Scientists, May 2012, p. 16 ; G. Perkovich, M. Chalmers, S. Pifer, P. Schulte, J. Tandler, *Looking Beyond the Chicago Summit. Nuclear Weapons in Europe and the Future of NATO*, "The Carnegie Papers", Carnegie Endowment for International Peace, April 2012, p. 6.

۶۱ " از پایگاه " رامشتین " در سال ۲۰۰۵ و ۲- تعداد ۱۱۰ بمب از پایگاه " لیکن هلت " در انگلستان و ۳- و تعدادی هم از پایگاه " ممینگن " در سال ۲۰۰۵ و ۴- و همچنین تعدادی نیز از پایگاه " نورونچ " در سال ۲۰۰۵ تخلیه شد.

بقیه این بمب ها در انبار های واقع در مناطق: ۱- " کلین بروگل " در بلژیک (تعداد تقریباً ۲۰ بمب؟) ۲- " گدی تورره " در ایتالیا (تعداد تقریباً ۴۰ بمب؟) ۳- " آویانو " در ایتالیا (تعداد ۵۰ تقریباً بمب؟) ۴- " فولکل " در هلند (تعداد تقریباً ۲۰ بمب؟) و ۵- " اینجریک " در ترکیه (تعداد تقریباً ۶۰-۵۰ بمب؟) محفوظ هستند.<sup>۱۱</sup>(۹)

### وسایل حمل و نقل سلاح های هسته ای تاکتیکی

پایان جنگ سرد و تقلیل تدریجی سلاح های هسته ای تاکتیکی باعث شد تا ایده " تقسیم مسئولیت " در قبال بمب های تاکتیکی " بی-۶۱ " و تضمین هزینه نگه داری از هواپیماهای " دو منظوره ای - " دی-سی-آی " از طرف کشور های عضو سازمان ناتو ، محدود شود. ایالات متحده آمریکا در طی سال های ۹۰ قرن بیستم تعداد واحد های هواپیماهای دو منظوره ای - " دی-سی-آی " خود را محدود کردند و آن ها به دو بال یا واحد تاکتیکی برای حمایت از عملیات های هسته ای سازمان ناتو ، تبدیل کردند که یکی از آن ها: ۱- " بال جنگنده ۴ " واقع در پایگاه هوایی " سیمور جانسون " در شمال کارولینا و ۲- " بال یا واحد ۲۷ عملیات های تخصصی " واقع در پایگاه " کاننون " در نیومکزیک ، می باشد.<sup>۱۲</sup> البته در حال حاضر اهداف هسته ای و آماده باش کامل جنگی در این دو مرکز از اولویت ها ، نیستند.

چند سال پیش تصمیم گرفته شد که ، نقش هواپیماهای شکاری بمب افکن تاکتیکی را هواپیماهای جدید مدل " اف-۳۵ " بلوک -۴ " ، ایفا خواهند کرد و می توانند عامل رعب و وحشت هسته ای ، باشند. این تصمیم به گزارش "مجله اوضاع هسته ای " (ان-پی-آر) به تائید رئیس جمهور آمریکا آقای " باراک اوباما " در سال ۲۰۱۰ هم رسید.<sup>۱۳</sup> البته چنین انتخابی معقولانه و طبیعی بود ، فقط مسئله اینجاست که از ابتدا هدف از ساختن هواپیما های " اف-۳۵ " این بود که آن ها را به کشور های متفق سازمان ناتو که بعضی از آن ها تا به امروز از هواپیما های " اف-۱۶ " استفاده می کنند ، صادر شوند. این عمل: یعنی جانشین کردن " اف-۳۵ " به " اف-۱۶ " یک امر عادی هم در بهینه سازی تسلیحات قرار دادی و هم ماموریت های هسته ای ، محسوب می شد. فقط در این میان پیش بینی نشده بود که پروژه ساخت هواپیما های " اف-۳۵ " با مشکلات فنی- مالی

<sup>11</sup> H.M. Kristensen, *Non-Strategic Nuclear Weapons*, Federation of American Scientists, May 2012, p. 16.

<sup>12</sup> R.S. Norris, H.M. Kristensen, *US Tactical Nuclear Weapons in Europe*, 2011, "Bulletin of the Atomic Scientists", without date, [www.nonukes.nl]. About DCAs see also: G. Perkovich, M. Chalmers, S. Pifer, P. Schulte, J. Tandler, op. cit., p. 13 – 20.

<sup>13</sup> *Nuclear Posture Review Report*, Department of Defense, April 2010, p. ix and 27.

مواجه شود. در حال حاضر احتمال ورود این هواپیما ها به ساختار های نیروی هوایی کشور های عضو سازمان ناتو ، خیلی کم است. به نظر می آید که: مشکلات هواپیما های " اف - ۳۵ " مشابه با پروژه بهینه سازی هواپیما های مدل " دی - سی - آی " می باشند. از طرفی ساختارهای هواپیما های دیگر مثل: " یورو فایتر - تایفون " هم قادر به حمل و نقل سلاح های هسته ای آمریکا ، نیستند ، چون طراحان فناوری نو در اروپا و تولید کنندگان اروپائی آن ها ، نمی خواستند که آمریکائی های متفق اروپا ، از فناوری جدید آن ها ، مطلع شوند ،<sup>۱۴</sup>

کشورهای اروپائی فقط بخش کوچکی از پتانسیل هواپیماهای مدل " دی - سی - آی " را در اختیار دارند و علاقه ای هم به بهینه سازی آن ها و تداوم درنگه داری و روش حمل و نقل سلاح های هسته ای ، نشان نمی دهند. برای مثال میتوان به انگلستان اشاره کرد که ، در این رابطه ماشین های " راف- تورنادو " جی - ار - ۱ " را به بمب های نوع " دلبیو - ای - ۱۷۷ " مجهز کرد. این بمب ها در سال ۱۹۹۸ از خدمت کنار رانده شدند. دکتترین " ایجاد رعب و وحشت از طریق بمب های ترمودینامیکی انگلیسی ها هم فقط از طریق چهار زیر دریائی مدل " وانگارد " که هر یک از آن ها قادر به حمل ۱۶ بمب چند کلاهکی بین قاره ای بالیستیکی مدل " تریدنت - دو (دی- ۵) می باشد ، به تحقق در می آید. از تاریخ مذکور تا به حال هم هواپیماهای انگلیسی مدل " تورنادو " فقط به منظور شرکت در عملیات های قرار دادی ، فرستاده می شوند. فرق یا برخورد متفاوت ایتالیا با انگلیسی ها این است که ایتالیا هواپیما های مدل " تورنادو - آی - دی - اس " خود را در خدمت " دی - سی - آی " سازمان ناتو و بمب های " بی - ۶۱ " قرار می دهد.

آلمان هم سهم و دین خود را به سازمان ناتو ، از طریق در اختیار گذاشتن هواپیما های " تورنادو " و میسر ساختن حمل و نقل بمب های هسته ای این سازمان ، ادا می کند. به گزارش مجله نظامی " میلیتاری بالانس ۲۰۱۳ " برلین تعداد ۹۰ فروند از این هواپیما ها را در خدمت خود دارد که از این تعداد ۶۹ فروند " ورشن یا مدل تهاجمی " (آی- دی - اس) و ۲۱ فروند دیگر دارای قابلیت شناسایی یا رکنسانس و عملکرد در جنگ های الکترونیکی (ای- سی - آر) می باشند.<sup>۱۵</sup>

قرار بر این شده که تا آخر دهه حاضر (البته اگر مشکلی پیش نیاد) ، به صورت تدریجی کنترل بر وضعیت ماشین ها و تجهیزات (موسوم به: " ریسورس ماشین " - مترجم) از بین برود. سوال این است که: بعد چه خواهد شد؟ معلوم است که هواپیماهای شکاری - چند اهدافی " یورو فایتر " مدل " تایفون " جانشین هواپیما های " تورنادو " خواهند ، شد و همانطور که قبلا اشاره کردم ، این هواپیما ها از نوع " دی - سی - آی " نیستند. دولت آلمان هم اعتراف کرد که: هواپیما های جدید را هنوز آزمایش و تجزیه تحلیل نکرده و نمی داند که آیا قادر به حمل سلاح هسته ای هستند ، یا نه.<sup>۱۶</sup>

<sup>14</sup> T. Seay, *Escalation by Default? The Future of NATO Nuclear Weapons in Europe*, "NATO Policy Brief", European Leadership Network, May 2012, p. 2, [www.europeanleadershipnetwork.org]

<sup>15</sup> *The Military Balance 2013*, International Institute for Strategic Studies, London 2013, p. 139.

<sup>16</sup> *Germany Yet to Decide on Buying New Nuke-Ready Fighter Planes*, Nuclear Threat Initiative, 14/09/2013, [www.nti.org]

ترکیه در این میان از کشور هائی است که در ایده تقسیم مسئولیت سلاح های هسته ای آمریکا ، جذب شده است و در حوزه کشورش بمب های هسته ای " بی - ۶۱ " را در پایگاه " اینجر لیک " ، نگه داری می کند ، ولی شخصا دسترسی به هواپیما های " دی - سی - ای " را ندارد و مجبور است از هواپیما های آمریکائی ، استفاده کند. در عمل چنین استخواهد شد که در هنگام وقوع جنگ ، وظیفه نیروی هوائی ترکیه ، ایجاد پوشش حفاظتی از هواپیما های آمریکائی حامل بمب های " بی - ۶۱ " در حین پرواز در آسمان دشمن ، خواهد بود. یونان هم بعد از خارج کردن بمب های " بی - ۶۱ " از حوزه کشورش در سال ۲۰۰۱ ، نقش مشابهی را مثل ترکیه ایفا می کند و فقط نیروی هوائی هسته ای سازمان ناتو را ، پوشش می دهد. در این میان ترکیه معضلی را ایجاد کرده که بر این اساس است که: آنکارا از یک طرف در پایگاه " اینجر لیک " خود بمب های هسته ای " بی - ۶۱ " را انبار کرده و از طرف دیگر فاقد هواپیماهای " دی - سی - ای " است و حتی به آمریکا هم اجازه نمی دهد تا گردانی از هواپیما ها مذکور را با ایجاد پایگاهی در ترکیه ، مستقر کنند. در خواست واشنگتن از آنکارا هم در مورد ایجاد پایگاه برای استقرار این هواپیما ها ، رد شد. در هنگام بحران و جنگ و لزومیت استفاده از بمب های " بی - ۶۱ " آمریکائی ها باید اول هواپیما های خود را از پایگاه هوائی " آوی یانو " در ایتالیا به پایگاه " اینجر لیک " در ترکیه منتقل کنند ، تا بعد در آنجا به بمب های هسته مجهز شوند. باید اضافه کرد که بلژیک بیشترین سهم را دارا می باشد ، بدین معنی که قبول کرده تا در پایگاه " کلاین بروگل " خود از ۱۰ تا ۲۰ بمب " بی - ۶۱ " که تحت کنترل و نظارت نیروی هوائی ایالات متحده آمریکا می باشند را ، انبار کند. لازم به توضیح است که ، حداکثر حجم ۱۱ پناهگاه موجود در بلژیک ، انبار کردن تعداد ۴۴ بمب " بی - ۶۱ " در آن ها ، می باشد.<sup>۱۷</sup> بروکسل به جای هواپیما های " دی - سی - ای " از هواپیما های مدل " اف - ۱۶ ای - ام / بی - ام " استفاده می کند که تا سال ۲۰۲۵ در خدمت نیروی هوائی این کشور باقی خواهند ماند. بلژیک تا به حال خود را جذب پروژه هواپیما های " اف - ۳۵ " نکرده است. احتمال زیادی وجود دارد که بلژیک از اسکادران تهاجمی که در اختیار دارد صرفه نظر کند ، و این بدین معنی خواهد بود که از هواپیما های " دی - سی - ای " هم صرفه نظر خواهد کرد. کارشناسان ارشد معتقدند که به تحقق در آوردن این قصد بلژیک ، بستگی به مسیر اهداف کشورهای هلند و آلمان ، دارد.

کشور هلند نیز همچنین هواپیما های " اف - ۱۶ ای - ام / بی - ام " خود را برای اهداف هسته ای تخصیص می دهد ، و به تدریج هواپیما های " اف - ۳۵ " را جایگزین آن ها خواهد کرد. باید توجه داشت که ، هلندی ها خیلی واضح و روشن اظهار کرده بودند که: جانشین هواپیما های " اف - ۱۶ " آن ها می بایست توانائی های لازم در ایجاد دکترین موسوم به رعب و وحشت هسته ای (Nuclear Deterrence) را دارا ، باشند.<sup>۱۸</sup> در مورد ایتالیا هم که در پایگاه هوائی " آوی یانو " از هواپیماهای آمریکائی مدل " دی - سی - ای " (اف-۱۶/دی) مراقب و مهمانوازی می کند ، نیز همین امر صادق است. باید اضافه کرد که ، این

<sup>17</sup> *Tactical Nukes in Europe a "Tiny Fraction" of Cold War Arsenal, Report Says*, Nuclear Threat Initiative, 18/01/2011, [[www.nti.org](http://www.nti.org)]. See also: M. Muys, *US Tactical Nuclear Weapons at Kleine Brogel in the Context of Contemporary International Developments*, Flemish Peace Institute, 22/09/2010, [[www.nonproliferation.edu](http://www.nonproliferation.edu)]

<sup>18</sup> L. Coffey, *Dutch Parliament Votes to Ditch the Joint Strike Fighter*; "The Foundry", 13/07/2012, [[www.blog.heritage.org](http://www.blog.heritage.org)]

پایگاه امکان ذخیره ونگه داری از ۷۲ بمب را دارا می باشد. در ضمن ایتالیائی ها هواپیما های " تورنادو - آی - دی - اس " خود را جانشین سیستم هواپیماهای " دی - سی - ای " کرده اند که قرار است تا بعد از چندی هواپیماهای " اف - ۳۵ " جایگزین آن ها شوند.

امکانات و حد توانائی حمل و نقل و وسائل و تجهیزات هسته ای، یک مسئله است ، و توانائی و شرایط لازم در به کار برد آن ها در هنگام بحران و جنگ ، مسئله ای است دیگر. این حتی بدین معنی هم نیست که با وجود در اختیار داشتن هواپیما های مدرن و پیشرفته " دی - سی - ای " ، آمریکائی ها سلاح های تاکتیکی هسته ای خود را در اختیار کشورهایی که قصد استفاده از آن ها را دارند ، قرار دهند. این مشکل همچنین به روند تصمیم گیری های سریع در چارچوب خود سازمان ناتو ، هم مربوط است. سوآلی اینجا مطرح می شود که: آیا در هنگام بحران و جنگ سازمان ناتو در وضعیتی قرار خواهد گرفت تا بتواند در اسرع وقت تصمیم صحیحی را ، اتخاذ کند ؟ با در نظر گرفتن تعداد قابل توجه کشورهای عضو این سازمان و اهمیت و میزان این امر مهم ، می توان گفت که: جواب سوال مطرح شده در بالا ، منفی خواهد.

### بهینه سازی " بی - ۶۱ "

سوال دیگری در این میان مطرح می شود و آن این است که: وضعیت بمب های " بی - ۶۱ " چگونه ، می باشد ؟ در پروژه مربوط به بهینه سازی این بمب ها که به دلایل معلوم کاملاً در دست و اختیار و کنترل آمریکائی ها است ، بیشتر سوال پیش می آید تا پاسخ. بمب " بی - ۶۱ " که در ابتدا موسوم به " تی - ایکس - ۶۱ " بود ، در سال ۱۹۶۳ در مرکز معروف " لوس آلاموس " در نیومکزیک ، طرح ریزی شد. تولید سری یا تسمه ای این بمب ها هم در سال ۱۹۶۸ شروع شد. تخمین زده می شود که تا سال ۱۹۸۷ تعداد تقریباً ۳۲۰۰ بمب از نوع مذکور ، تولید شده است که نصف این بمب ها همچنان در خدمت نیروهای مسلح ، می باشند. در طی سال های مذکور، ۱۱ ورشن یا نمونه از این بمب ها ساخته شد ، ولی در کل در ساختار های نمونه اصلی ، تغییرات اساسی به وجود ، نیامد. از طرفی دو نوع بمب هسته ای دیگر بر اساس همان پروژه پایه ، ایجاد شد. از ۱۱ نمونه مذکور ، در حال حال فقط ۴ نمونه از دوران جنگ سرد (نمونه های - ۳ و ۴ و ۷ و ۱۰) و یک نمونه از دوره ریاست جمهوری " بیل کلینتون " (نمونه - ۱۱) و با قدرت تخریبی متغییر از ۰.۳ تا ۳۰۰ کیلو تن ، در اختیار نیروهای مسلح قرار دارند. این نمونه ها همچنین در اختیار نیروهای هوائی استراتژیکی و بمب افکن های مدل " بی - ۲ " (اسپایرت) نیز ، می باشند.<sup>۱۹</sup>

یک پروژه جدید از این بمب ها که می توان آن را پروژه یا نمونه ۱۲ خواند نیز در دست است که بر اساس نمونه ۴ طرح ریزی شده است و از راه حل های فنی نمونه های ۳ و ۴ و ۱۰ و همچنین از ساختار های بمب

<sup>19</sup> For more details see: *The B61 (Mk-61) Bomb. Intermediate yield strategic and tactical thermonuclear bomb*, Nuclear Weapon Archive, 09/01/2007, [www.nuclearweaponarchive.org](http://www.nuclearweaponarchive.org)



های استراتژیکی " بی - ۶۱ - ۷ " استفاده می کند ، که در خدمت بمب افکن های استراتژیکی " بی - ۲ ای " و " بی - ۵۲ - اچ " قرار دارند.

باید اضافه کرد که قرار براین بود که ، بمب های مدل " بی - ۶۱ - ۱۲ " با قدرت تخریبی مشابه با بمب های مدل " بی - ۶۱ - ۴ " یعنی با قدرت تخریبی ۵۰ کیلو تن ، جانشین بمب های مدل اروپائی " بی - ۶۱ " (یعنی بمب های مدل های " بی - ۶۱ - ۴ " و " بی - ۶۱ - ۳ ") شوند. فرض می رود که بمب های مدل " بی - ۶۱ - ۱۲ " تا مدت ۳۰ سال می توانند در خدمت نیروهای مسلح بوده و تلفیقی از ۴ نمونه اولیه در یک نمونه ، باشند.<sup>۲۰</sup> از تغییر و تبدیل های اساسی در این زمینه می توان به " سیستم های تصحیح کننده شلیک دقیق به هدف " باشد که نیروی هوائی آمریکا (پو - اس - آیر فورس) به دنبال آن است. جالب اینجاست که امروزه بمب های مدل " بی - ۶۱ " از طریق چتر پرتاب می شوند و بدین خاطر دقت در هدف گیری ، بستگی زیادی به فشار باد را ، دارد. طبیعی است که برای رشد دقت در هدف گیری باید از روش چتری صرفه نظر کرد ، اما در این میان مشکل یا ریسک دور شدن یا فرار به موقع هواپیما از مهلکه انفجار سریع بمب ، پیش می آید. همانطور که در بالا اشاره شد ، بمب های نمونه جدید ۱۲ به سیستم های موسوم به " تی - اس - ای " با گیرنده های " جی - پی - اس " مجهز می باشند و قادرند بمب های کلاسیک هوائی مدل " ام - کی - ۸۴ " را به جنگ افزار های دقیق " جی - دی - ای - ام " تبدیل کنند.<sup>۲۱</sup>

نمونه جدید ۱۲ مذکور (که تعداد آن ها ۴۰۰ تا می باشد) می توانند قدرت شدید و موثری (با سطح پائین تولید ضایعات هسته ای و سطح بالای دقت در هدف گیری) را در اختیار نیروهای هوائی ، بگذارند. در اینجا لازم به یاد آوریم که: بنا بر قانونی که در سال ۲۰۰۴ به تصویب رسید ، اصلاحیه لایحه قانونی مصوبه در سال ۱۹۹۴ از طرف کنگره آمریکا موسوم به " Precision Low-Yield Weapons Design " رد شد. باید خاطر نشان کرد که: در آن هنگام کنگره آمریکا کار و تحقیقات روی سلاح های " جدید هسته ای با قدرت کم " را ، منع کرده بود. حداقل از سال ۱۹۹۰ کارشناسان ارشد " پنتاگون " چنین راه حلی را قبول دارند ، چون بدین وسیله نیروی هوائی آمریکا به دریافت سلاح های دقیق با قدرت تخریبی بسیار بالا و خیلی قوی تر از سلاح های قرار دادی ، دست خواهد یافت. از ترکیب هواپیما ها و بمب های مدل های ذیل مانند: هواپیما های " تورنادو " و " اف-۱۵/ای " و " اف-۱۶/ای/بی/سی/دی " و " اف-۳۵ " و " بی-۵۲ " و " بی-۲-ای " و همچنین بمب های دقیق " بی-۶۱-۱۲ " می توانند اهداف قرار گرفته در زیرزمین ها و غیر قابل دسترس که حتی قوی ترین بمب های قرار دادی قادر به تخریب آن ها نیستند را منهدم کنند. بمب های " بی-۶۱-۱۲ " می توانند همان مقدار اورانیوم غنی سازی شده را در خود جا دهند که در بمب های " بی-۶۱-۴ " جا می گیرند ، و این بدین معنی است که کمتر از نمونه های دیگر در خود اورانیوم غنی سازی شده حمل می کنند ، و به همین خاطر هم هیچ یک از مفاد معاهدات بین المللی را زیر پا نخواهند ، گذاشت.

<sup>20</sup> H.M. Kristensen, *B61-12: Contract Signed for Improving Precision of Nuclear Bomb*, "FAS Strategic Security Blog", 28/11/2012, [www.blogs.fas.org](http://www.blogs.fas.org)

<sup>21</sup> Ibidem. See also T. Seay, op. cit., p. 3.

فرض خوشبینانه ای هم وجود دارد که گفته می شود: بمب های مدل جدید " بی - ۱۶ - ۱۲ " تا سال ۲۰۱۸ در اختیار اروپا قرار خواهند گرفت ، این عمل همزمان با پیدایش و بهره برداری از هواپیما های " اف - ۳۵ " که به دلایل سازش پذیرانه در وضعیتی نخواهند بود تا بتوانند نمونه های دیگر اروپائی مانند: بمب های " بی - ۶۱ - ۳ " و " بی - ۶۱ - ۴ " را در خود حمل کنند ، رخ خواهد داد. طرفداران این عمل معتقدند که این یک راه حل ایده آل خواهد بود و بر خلاف هواپیما های موجود مدل " دی - سی - ای " که که: ۱- احتیاج به حمایت های لازم متفقین را دارند و ۲- می بایست از طریقی در قبال هواپیما های گیرنده -شکاری دشمن استتار شده تا در امان بمانند و همچنین ۳- باید قیل از انجام عملیات ها ، جایگاه های دفاع ضد هوائی دشمن منهدم شوند ، هواپیما های " اف ۳۵ " قادرند بدون مشکلات مذکور ، با ارتفاع کم به هدف نزدیک شوند و با دقت و فاصله امنی بمب های خود را به هدف پرتاب کنند و عملا نامرئی باقی بمانند. در ماه آپریل سال ۲۰۱۳ پروژه شروع آزمایش ها و اتحاد عناصر و ترکیبات هواپیما های " بی - ۶۱-۱۲ " به هواپیما های " اف - ۱۶ - ای " تائید شد و قرار بر این شد که در سال ۲۰۱۵ این عمل صورت گیرد.<sup>۲۲</sup> بر اساس پروژه بودجه این هواپیماها می توان نتیجه گرفت که نیروی هوائی آمریکا قصد دارد این عمل را در بین سال های ۲۰۱۵-۲۰۲۱ و در رابطه با نمونه یا ورشن های " بلوک - ۴ - ای " و همچنین " بلوک - ۴ - بی " به مرحله اجرا در آورد. آمادگی عملیاتی هواپیما های " اف - ۳۵ " به عنوان ترکیب و تلفیقی از هواپیما های " دی - سی - ای " و بمب های " بی - ۶۱ - ۱۲ " احتمالاً در سال ۲۰۲۲ میسر خواهد ، شد.<sup>۲۳</sup>

## رشد اعتراضات

تعداد افرادی که در اروپا از ادامه نگهداری از بمب های تاکتیکی هسته ای ناراضی می باشند ، کم نیست. در ضمن باید به رویه و روند مجهول و مبهم استفاده از چنین بمب هائی ، توج داشت. در این رابطه سوالات زیادی مطرح می شوند مانند: این بمب ها در چه نوع از جنگ ها و درگیری ها می توانند مورد استفاده قرار گیرند؟ در هنگام جنگ با روسیه؟ در وضعیت مشابه در لیبی؟ در جنگ با تروریسم؟ در بین افراد سرشناس شک گرا که اصولاً " به درد خوردن نظامی " این نوع سلاح ها را تحت سؤال می برند ، می توان به ژنرال " جیمز کارت وریت " ( جانشین رئیس اسبق هیئت یا کمیته روسای ستاد های مشترک و همچنین رئیس مرکز فرماندهی استراتژیکی " ) اشاره کرد<sup>۲۴</sup> و همچنین آقای ویلی کلاؤس " ( وزیر اسبق امور خارجه بلژیک که بعداً سمت صدر اعظم سازمان ناتو را داشت ). وی اعلام کرد: " جنگ سرد عملاً به پایان رسیده است و وقت

<sup>22</sup> Ibidem.

<sup>23</sup> Ibidem.

<sup>24</sup> T.Z. Collina, *Cartwright Urges Nuclear Spending Cuts*, Arms Control Association, September 2012, [[www.armscontrol.org](http://www.armscontrol.org)]

آن رسیده که سیاست های هسته ای خود را با شرایط جدید وفق دهیم " وی در ادامه می گوید: " سلاح های تاکتیکی هسته ای آمریکا در قاره اروپا ، کاملاً معنی نظامی خود را از دست داده اند ".<sup>25</sup>

شک گرایان در بین دهه های ۵۰-۶۰ قرن بیستم بر این عقیده بودند که: سلاح های هسته ای تاکتیکی ، به درد نمی خورند. در حال حاضر هم به دلایل سیاسی ، مورد استفاده قرار دادن سلاح های هسته ای عملاً غیر ممکن است ( حتی سلاح های اتمی با قدرت تخریبی کمتر ) . در ضمن هیچ علت معقولی که بر اساس آن ارتش روسیه تصمیم به برقرار کردن این سلاح ها در مرزهای کشور های عضو سازمان ناتو بگیرد ، وجود ندارد. با توجه به این مسئله که سازمان ناتو کشورهای جدیدی را به ساختار های خود وارد کرده است ، به همین دلیل هم عملاً تمامی بمب های " بی - ۶۱ " به دور از مرزهای کنونی ناتو ، قرار گرفته اند که در این میان از مرزهای روسیه هم می توان نام برد. در این جا یک سؤال مهم و اساسی مطرح می شود که: آیا ادامه نگه داری از بمب های " بی - ۶۱ " در قاره اروپا ، معنی دارد یا خیر؟ اکثریت مردم اروپا این سؤال را از خود می کنند و بر این عقیده اند که: نگهداری چنین بمب هایی در اروپا ، لازم نیست. آمریکایی ها هم با توجه به بی علافگی اروپائی ها ، اشتیاق هر چه کمتری در وفق دادن بمب های " بی - ۶۱ " با استاندارد های معاصر و جدید ، از خود نشان می دهند. دکتر " جفری لوئیز " از نظر پردازان سیاسی - نظامی در ستون مجله " سیاست های خارجی " به طور واضح و رک نوشت: " متحدین اروپائی آمریکا ، برای سلاح های هسته ای تاکتیکی آمریکا ارزشی قائل ، نیستند ". دکتر " جفری لوئیز " که کارشناس ارشد در زمینه " بسط و توسعه فناوری هسته ای " در مرکز تحقیقات در جلوگیری از رشد و توسعه سلاح های هسته ای جیمز مارتین " می باشد در ادامه نظرات خود گفت: " متفقین اروپائی آمریکا حتی نمی خواهند هزینه ۱۰۰ میلیون دلاری را در این رابطه متحمل شوند ( به منظور تضمین امنیت و حفاظت و حراست از سلاح های هسته ای مانند: خرید سلاح های دستی و ایجاد واحد های گاردی و حفاظتی و آموزش به سگ ها و سیم کشی منطقه و ایجاد لانه های حفاظتی و دروازه ها و غیره... ) پس بنا بر این آمریکا است که مجبور است مسئولیت تمام این هزینه ها متحمل شود؟ و صد برابر این مبلغ را ( ۱۰ میلیارد دلار ) هم صرف هزینه ساخت بمب های جدید کند که در " نه ور - نه ور لاند " ( همان سرزمین یا جزیره تخیلی است که در داستان " پیتر پان " به قلم درام نویس اسکاتلندی " جی - ام باری " آمده است - مترجم ) هم احتیاج به حفاظت ، ندارند.<sup>26</sup> البته منظور " جفری لوئیز " کنایه به واقعی بود که در سال ۲۰۱۰ اتفاق افتاد و باعث خجالت و مسخره شدن مسئولان امنیتی ، شد. قضیه این بود که در سال مذکور ، گروهی از صلح طلبان بلژیکی به راحتی وارد محوطه پایگاه " کلین بروگل " شدند و بی هیچ درد سری ، سر از داخل یکی از لانه های حفاظتی بمب ها ( هانگار ها ) ، در آوردند.

باید گفت که تعداد کشور هایی که خواهان عقب راندن کامل سلاح های تاکتیکی هسته ای از اروپا می باشند ، کم نیست. نمونه بارز این کشورها ، نروژ است که ، هرگز ورود سلاح های غیر متعارف به کشورش را ،

<sup>25</sup> That letter was also signed by: former Belgian Prime Ministers Jean-Luc Dehaene and Guy Verhofstadt and former Foreign Minister Louis Michel. See more: *Five NATO States Want U.S. Nukes Out of Europe* Report Says, Nuclear Threat Initiative, 19/02/2010, [www.nti.org]

<sup>26</sup> J. Lewis, *A Steal at \$10 Billion*, "Foreign Policy", 05/09/2012, [www.foreignpolicy.com]

قبول نکرد و در حال حاضر هم از طرفداران پر و پا قرص خروج سلاح های هسته ای از اروپا ، است. جالب اینجاست که کشور نروژ علیرغم اعتراضاتش در این زمینه ، به شکل فعال در رزمایش " اسنو کات " سازمان ناتو که هدفش تمرین روش های استفاده از سلاح های هسته ای می باشد ، شرکت می کند. در سال ۲۰۱۳ نخست وزیر هلند (در بین سال های ۱۹۸۲-۱۹۹۴ ) آقای " رود لوبرز " دست به افشاء اسناد محرمانه دولتی زد که این مسئله می توانست باعث استیضاح وی در دادگاه ، شود. وی گفته بود که در حوزه هلند تعداد ۲۲ بمب اتمی در پایگاه هوایی " فولکل " وجود دارد. وی با لحن بد و انتقادی گفته بود که: " من هرگز باور نمی کردم که این بمب های احمقانه تا سال ۲۰۱۳ در جاشون باقی بمانند ". وی در ادامه اظهاراتش چنین گفته بود: " من معتقدم که این چنین بمب هایی (سلاح هائی) یک سنت بی معنی در طرز تفکر و فلسفه واقعی نظام و نظامیگری ، وارد می کنند".<sup>۲۷</sup> اظهارات وی از طرف نخست وزیر اسبق هلند (در بین سال های ۱۹۷۷-۱۹۸۲) آقای " دریز وان آگت " نیز مورد تائید و حمایت قرار گرفت و گفت: " این بسیار ناپسند و نا معقول است که هنوز این بمب ها در جایشان ، باقی مانده اند ".<sup>۲۸</sup>

البته از نظر سیاسی کشور آلمان بیشترین طرفداری از عقب راندن کامل این بمب ها از اروپا ، را می کند. باید یاد آوری کرد که در دوره جنگ سرد این آلمان بود که در شعاع اصلی این بمب ها قرار می گرفت و قربانی اول استفاده از آن ها ، می شد. امروزه آلمانی ها از مخالفین اصلی حضور سلاح های هسته ای در اروپا ، می باشند.<sup>۲۹</sup> لیست افراد مخالف در این کشور هم طوماری است بلند که در آن می توان به اسامی افراد سرشناسی مانند: صدر اعظم اسبق " هلموت اشمیت " و رئیس جمهور اسبق این کشور " ریچارد فون وایزکر " و وزیر امور خارجه اسبق " هانس - دیترش گنشر " و وزیر اهداف و وظائف ویژه اسبق آلمان آقای " آگون باهر " و... اشاره کرد. افراد مذکور مشترکا در سال ۲۰۰۹ زیر درخواست نامه ای که متن آن خواهش از مقامات مسئول در از بین بردن هر چه سریعتر تمامی سلاح های هسته ای کوتاه برد ، بود را امضاء کردند.<sup>۳۰</sup> در حال حاضر یکی از مدافعین اصلی چنین راه حلی آقای " گوئیبدو وستروله " وزیر امور خارجه آلمان از جناح راستگرایان مرکزی " حزب آزاد دموکراتیک آلمان " ( اف - دی - پی ) است. وی بلافاصله بعد از کسب منصب وزیری در اکتبر سال ۲۰۰۹ در پیام خود گفت: " آلمان باید سلاح های هسته ای خود را رها کند " و اضافه کرد که: " ما به وعده های " بارک اوباما " و مذاکرات مقدماتی با متفقین خود را ملاک قرار می دهیم ، تا اثرات باقی مانده سلاح های هسته ای از دوران جنگ سرد را نهایتا از بین ببریم".<sup>۳۱</sup> اعلام چنین فعالیت هائی از طرف برلین مورد قبول و پسند بلژیک و هلند هم ، قرار گرفت. وزیر اسبق امور خارجه آلمان " یوشکا فیشر " هم در این رابطه ، رضایت خود را ابراز کرد. بسیاری از رفقای وی احزاب سیاسی

<sup>27</sup> 22 American nuclear bombs are stored in the Netherlands: media, "Dutch News", 10/06/2013, [www.dutchnews.nl]

<sup>28</sup> J. Wieten, Former Dutch PMs facing possible charges for revealing nukes on Dutch soil, "Shanghai Daily", 13/06/2013, [www.shanghaidaily.com]

<sup>29</sup> See for example: P. Schulte, op. cit., p. 27 - 28.

<sup>30</sup> H. Schmidt, R. von Weizsäcker, E. Bahr, H.D. Genscher, For a Nuclear Weapons-Free World Nuclear Age Peace Foundation, 13/01/2009, [www.wagingpeace.org]. See also G. Perkovich, M. Chalmers, S. Pifer, P. Schulte, J. Tandler, op. cit., p. 15 - 16.

<sup>31</sup> New German government to seek removal of US nuclear weapons, "Deutsche Welle", 25/10/2009, [www.dw.de]

جناح چپ هم به حمایت از وی پرداختند ، چون معتقدند که خروج سلاح های هسته ای آمریکا از اروپا ، شانس خوبی برای بهبود رابطه با فدراسیون روسیه ، است.

آقای " فرانک – والتر اشتین می یر " وزیر امور خارجه آلمان در کابینه اول خانم " آنجلا مرکل " هم عقیده مشابهی را دارد و می گوید: " این چنین سلاح هائی امروزه از دید نظامی کهنه و از کار افتاده ، هستند " <sup>۳۲</sup> وی در ادامه گفت: نباید تعجب کرد که احزاب چپی هم دیدگاه مشابهی را در این زمینه ، دارند. از طرفی آقای " گرگور گیشی " از حزب " دی لینکه " مستقیم و بی پرده از خانم " آنجلا مرکل " خواست تا ایشان از دکترین سازمان ناتو در خصوص تقسیم مشترک سلاح های هسته ای صرفه نظر کند و آن را به رسمیت نشناسد. وی بر این عقیده است که: دولت آلمان باید هر چه زودتر از آمریکا بخواهد تا اولویت کار خود را در عقب راندن و انهدام بمب های هسته ای ، قرار دهد. <sup>۳۳</sup> و اضافه کرد که: این نظریه و طرزفکرکه گفته می شود: صرفه نظر کردن آلمان از سلاح های هسته ای ، نفوذ ما را در سازمان ناتو تقلیل می دهد ، یک طرز فکر قدیمی از دوران جنگ سرد و بی معنی ، است. <sup>۳۴</sup> آقای " یورگن تریتین " رئیس حزب " سبزهای " آلمان ، سلاح های هسته ای ناتو را " رد پای دوران جنگ سرد " دانست و از دولت خواست تا پشت سر آمریکائی ها خود را پنهان ، نکند. <sup>۳۵</sup>

جالب و مهم اینجاست که: صدر اعظم آلمان خانم " آنجلا مرکل " که به نظر می رسد طرفدار پر و پا قرص ایده " تقسیم مشترک سلاح های هسته ای ( نامتعارف ) بین کشور های عضو سازمان ناتو " می باشد ، از چنین موضع رادیکالی حمایت ، می کند. البته مسئله سر عوامل نظامی نیست ، بلکه به نقل از خانم " مرکل " که می گوید: لزوم به باقی ماندن و استمرار نفوذ آلمان در سازمان ناتو ، حتی در موارد و موضوعات خیلی حساس و مهم " می باشد. <sup>۳۶</sup> اکثریت قریب به آراء مردم آلمان هم بر این عقیده اند که: بایست سلاح های هسته ای آمریکا از آلمان خارج شوند. گفته می شود: در نشست سازمان ناتو در ماه می سال ۲۰۱۲ آلمانیها می خواستند از درخواست خود مبنی بر عقب نشینی سلاح های هسته ای از کشورشان صرفه نظر کنند و مبلغ ۲۵۰ میلیون یورو را برای نگهداری از هواپیما های مدل " تورنادو " تا سال ۲۰۲۴ تخصص دهند ، که مبلغ مذکور قرار بود در رابطه با بهینه سازی هواپیما های " دی – سی – ای " هزینه شود. <sup>۳۷</sup> نمایندگان مسئول دولت آلمان هم این شایعه را رد می کنند و می گویند که هیچ وعده ای در کار نبوده و برلین هم به تاریخ دقیق " بازنشسته شدن " هواپیما های " دی – سی – ای " آگاه ، نیست. <sup>۳۸</sup> بد نیست به این نکته توجه شود که: عقب نشینی بمب های " بی - ۶۱ " از خاک آلمان ، یکی از کارزارهای سیاسی – انتخاباتی و از وعده های مهم دولت کنونی حاکم ، بود.

<sup>32</sup> *Yankee Bombs Go Home: Foreign Minister Wants US Nukes out of Germany*, "Der Spiegel", 10/04/2009, [www.spiegel.de]

<sup>33</sup> J. Dempsey, *German parties press U.S. to withdraw nuclear arms*, "The New York Times", 23/06/2008, [www.nytimes.com]

<sup>34</sup> *Germany opts for a farewell to NATO nuclear weapons*, "RT", 28/10/2009, [www.rt.com]

<sup>35</sup> *Ibidem.*

<sup>36</sup> *Yankee Bombs...*

<sup>37</sup> *US nukes to stay in Germany – media*, "RT", 06/09/2013, [www.rt.com]

<sup>38</sup> O. Meier, *Reports of German Nuclear Pledge Denied*, Arms Control Association, October 2012, [www.armscontrol.org]

از طرفی کشور فرانسه از طرفداران نگه داری سلاح های اتمی به وسیله سازمان ناتو ، می باشد. باید گفت که: فرانسه در دوران جنگ سرد موفق به کسب نیروی هسته ای قوی و مستقل و خودکفائی ، شده بود. در حال حاضر هم پاریس از نظر تاریخی در حاشیه ارتباط با سازمان ناتو ، باقی مانده و تقریباً تنها کشوری در این بخش از قاره اروپا است که با عقب نشینی سلاح های هسته ای از اروپا و ایجاد تغییرات در دکترین دفاعی اروپا ، مخالفت می کند. فرانسه که موضع اش در این زمینه کاملاً مخالف آلمان است ، از این می ترسد که عقب نشینی بمب های " بی - ۶۱ " فشارها را بر پاریس بیشتر خواهند کرد ( تا این کشور تا حدی از دکترین دفاعی خود دست بر دارد و به دکترین استراتژی " بازدارندگی از طریق ایجاد رعب و وحشت به وسیله نیروهای هسته ای " ، تمایل پیدا کند).

کشور های تازه عضو سازمان ناتو هم با سیاست تقلیل یکنانه مخالفند و به نظر می رسد که با وضعیت موجود ، موافقت،<sup>۳۹</sup> این کشورها بمب های هسته ای " بی - ۶۱ " را به عنوان یک عامل مهم حضور نظامی آمریکا در اروپا ، می دانند و برداشت آن ها چنین است که ، هر چه حضور و عوامل نظامی واشنگتن در قاره اروپا کمتر شود ، در هنگام جنگ و بحران رابطه آمریکا هم با اروپا ، کمتر و نامحسوس تر خواهد ، شد. وحشت این کشورها هم بیشتر از سیاست های پرخاشگرایانه روسیه مقتدر است که باعث نگرانی ، میشود. به عقیده این کشورها ، بهتر است بمب های هسته ای " بی - ۶۱ " در اروپا باقی بمانند ، تا خارج شوند.<sup>۴۰</sup> به نظر کشورها تازه عضو ، تقلیل سلاح های هسته ای هم می توانند فقط در چارچوب بستن عهدنامه در این خصوص با روسیه انجام شوند ، چون طبیعتاً روسیه هم موظف به تقلیل سلاح های هسته ای خود ، خواهد شد.

### آینده سلاح های هسته ای تاکتیکی در اروپا

سال ها است که بحث و گفتگو ها در باب آینده سلاح های هسته ای تاکتیکی در اروپا ، در حال انجام شدن می باشند. این بحث ها غالباً به همراه ابتکارات و راه حل های جدید در این زمینه و در نشست های دوره ای سازمان ناتو در خصوص ایجاد ایده های جدید استراتژیکی این سازمان ، مطرح می شوند. درسند ایده استراتژیکی این سازمان که در سال ۱۹۹۹ در واشنگتن به تصویب رسید آمده که: سلاح های هسته ای ( هم استراتژیکی و هم تاکتیکی ) نقش مهمی را در ایجاد رعب و وحشت نظامی ، ایفا می کنند. در نشست سال

<sup>39</sup> In February 2010 Carl Bildt (Foreign Minister of Sweden), and Radek Sikorski (Foreign Minister of Poland) published an op-ed in "The New York Times" pressing for a new agreement between the United States and Russia on further reductions of strategic nuclear weapons (...) As part of efforts to further reduce nuclear weapons in general, as well as to build confidence in a better order of security in Europe, we today call on the leaders of the United States and Russia to commit themselves to early measures to greatly reduce so-called tactical nuclear weapons in Europe" C. Bildt, R. Sikorski, *Next, the Tactical Nukes*, "New York Times", 01/02/2010, [[www.nytimes.com](http://www.nytimes.com)]

<sup>40</sup> See also: P. Schulte, *op. cit.*, p. 29 – 30.

۲۰۱۰ سازمان ناتو هم تاکید شد که " سازمان ناتو یک سازمان هسته ای است " (ولی به اهمیت استفاده از سیستم هواپیما های " دی - سی - ای " تاکید روشنی ، نشد).<sup>۴۱</sup>

دلبستگی به سیستم های تسلیحاتی مذکور ، ناشی از لایحه های تصویب شده در نشست سازمان ناتو در " لیسبون " است ، در سند موسوم به: " مروری بر بازدارندگی از طریق ارباب به وسیله سلاح های هسته ای و وضعیت دفاعی " از نشست " لیسبون " به شکل روشن ذکر شده است که: سلاح های هسته ای از ترکیبات اصلی و مغزی سازمان ناتو ، محسوب می شوند و در کنار امکانات و سلاح های قرار دادی و دفاع ضد موشکی این سازمان نقش بازدارنده و ارباب ، دارند. از زمانی که سلاح های هسته ای وجود دارند ، سازمان ناتو به عنوان یک متفق هسته ای باقی خواهد ، ماند " .<sup>۴۲</sup> در اسناد سازمان ناتو به اهمیت سیستم های تاکتیکی ، اشاره نشده است و استفاده از لغت " دلبستگی " به این معنی نیست که سازمان ناتو میل به نگهداری از سیستم هواپیما های " دی - سی - ای و بمب های هسته ای " بی - ۶۱ " را دارد ، و می توان آن را چنین تعبیر کرد که منظور مراجعه به سلاح های هسته ای استراتژیکی ایالات متحده آمریکا و انگلستان و حتی فرانسه ، بوده است. البته این کاره اشتباهی خواهد بود ، چون سلاح های تاکتیکی هسته ای باید همچنان در اختیار قدرت هسته ای نیروهای پاسخی سازمان ناتو ، باقی بمانند. باید اذعان کرد که هرگز نمی دانیم در قبال چه چالش هائی قرار خواهیم گرفت و چه نوع سلاح هائی را در شرایط مختلف باید به کار برد. واقعیت این است که هرچه ابزار و سلاح های متنوع و بیشتر باشند ، انعطاف پذیری در عملکرد هم به همان تناسب بیشتر خواهد شد. به همین دلیل هم کشورهای عضو سازمان ناتو باید تصمیمی اتخاذ کنند تا سلاح های هسته ای در ساختار های این سازمان باقی بمانند و در عین حال به بهینه سازی اساسی بمب های " بی ۶۱ " پردازند و سیستم های جدید هواپیماهای " دی - سی - ای " را به ساختار های خود وارد کنند.

این حالت دو دلی و ضعف که در حال حاضر وجود دارد ، باعث می شود که سازمان ناتو اکنون با غفلت و ندانم کاری در راه خلع سلاح شدن سلاح های هسته ای غیر - استراتژیکی، قرار گیرد.<sup>۴۳</sup>

سوال اینجاست که: آینده چه دست آوردهائی به همراه خواهد داشت ؟ آیا دوره هواپیما های حمل و نقل سلاح های هسته ای تاکتیکی ، به سر خواهد آمد ؟ حتی عقب نشینی کامل سیستم هواپیما های " دی - سی - ای " از طرف کشور های اروپائی به این معنی نخواهد بود که ، بمب های " بی - ۶۱ " به طور اتوماتیک از صحنه رزم خارج شوند و این بمب ها کما فی السابق در مالکیت آمریکا ، باقی خواهند ماند. موضع و جایگاه دفتر ریاست جمهوری " باراک اوباما " که یکی از شعار های انتخابیش " جهان بدون بمب های هسته ای " بود هم در این زمینه بسیار روشن و مشخص است و می گوید: تصمیم گیری در باره آینده سلاح های تاکتیکی - هسته ای اروپا ، نباید یک طرفه اتخاذ شود و باید رای ۲۸ کشور عضو را بگیرد. به همین دلیل هم نباید انتظار داشت که تصمیم سریعی در این مورد اتخاذ شده و تفاهم نامه ای امضاء شود.

<sup>41</sup> NATO (2010): *The Alliance's Strategic Concept*, preface and paragraph 17 . See also: O. Meier, *NATO's new Strategic Concept and the future of tactical nuclear weapons*, "Nuclear Policy Paper", British American Security Information Council - Institute for Peace Research and Security Policy at the University of Hamburg, November 2010.

<sup>42</sup> *Deterrence and Defence Posture Review*, 20/05/2012, paragraphs 8 and 9.

<sup>43</sup> S. Pifer, *NATO*, op. cit., p. 3.

یکی از ابتکارات و پیشنهادات جدید در این زمینه این است که: همه بمب های " بی - ۶۱ " موجود در اروپا را در یک یا دو پایگاه جمع کنند، و در پایگاه های دیگر فقط " بمب های تمرینی " باقی بمانند. آقای " جفری لوئیس " که در بالا به وی اشاره شد می نویسد: " خلبانان بلژیکی می توانند وانمود که بمب های هسته ای در تمرینات خود پرتاب خواهند کرد، درست مثل گارد های امنیتی بلژیکی که وانمود می کنند که دارن از آن ها ، حراست می کنند . البته تحکیم موضع قدرت باید صورت گیرد و باید وانمود کرد که ایالات متحده آمریکا در حقیقت احتیاج ندارند که سلاح های هسته ای از پیش در هر یک از این کشورها ، مستقر شوند. بعدا هم آمریکا می تواند به آرامی هزینه برنامه جایگزینی آن ها را کنسل کند و مبلغ ۱۰ میلیارد دلار صرفه جوئی کند. این به معنی آن خواهد بود که: پیش از وقت معین بمب های " بی - ۶۱ " به "منزل " خود باز خواهند گشت. من حدس می زنم که کسی هم از این جریان خبردار نخواهد ، شد.<sup>۴۴</sup> تا آنجائی که ایده " جفری لوئیس " در خصوص " بمب های تمرینی " تا حدی مسخره و کنایه آمیز است ، ولی نظر وی در باره تحکیم موضع قدرت ، واقعی است . در ضمن نمی توان از این مسئله گذشت که بعضی از کشورهای اروپائی ، مخصوصا بلژیک از نگهداری هواپیماهای " دی - سی - ای " سادتا ، منصرف شوند . احتمال زیادی وجود دارد که کشورهای آلمان و هلند ( به اضافه بلژیک که اشاره شد ) هم از نگهداری هواپیما های " دی - سی - ای " دست بردارند . در چنین صورتی بمب های " بی - ۶۱ " در ترکیه و پایگاه " آویانو " در ایتالیا نگهداری خواهند شد ، که در هنگام وقوع جنگ ، در هواپیماهای " اف - ۱۶ " و بعد از چندی - هواپیما های " اف - ۳۵ " آمریکائی جا داده خواهند ، شد .

یک ایده یا ابتکار جالب دیگری هم در این میان وجود دارد ، که بر اساس آن می توان یک " اسکادران چند ملیتی هوائی - هسته ای " به وجود آورد که کاملا تحت تسلط و فرمان سازمان ناتو، عمل کند ( مشابه با " اسکادران هواپیماهای آواکس " - رکنسانس یا شناسائی سریع) . در چنین وضعیتی کشورهای دیگر عضو سازمان ناتو ( کشورهای تازه عضو این سازمان هم همچنین ) هم می توانند به این پروژه ، ملحق شوند . احتمال زیادی هم وجود دارد که این چنین اسکادرانی به هواپیماهای آمریکائی مجهز شود ، ولی خلبانان آن ها از کشور دیگر سازمان ناتو مثلا : آلمان یا هلند یا بلژیک و حتی لهستان ، برگزیده خواهند شد . به احتمال زیاد ، پایگاه در نظر گرفته شده برای استقرار این هواپیماها ، پایگاه " آویانو " در ایتالیا ، می باشد .<sup>۴۵</sup>

البته این تغییرات بیشتر جنبه آرایشی دارند و نمی توانند پاسخ اساسی به این سؤال مهم که آینده سلاح های هسته ای تاکتیکی در اروپا و بهینه سازی بمب های " بی - ۶۱ " و هواپیما های " دی - سی - ای " چه خواهد شد ، بدهند . اگر این سلاح ها فقط از ابزارهای نظامی بودند ، آنوقت می شد راه حل سریعی را برایشان پیدا کرد ، اما مشکل اینجاست که اینطور نیست و در عمل چنین است که این سلاح ها بیشتر جنبه سیاسی دارند تا اتمی ، و می توان گفت که بمب های " بی - ۶۱ " در عمل هیچ ارزش جنگی ندارند و فقط از ابزارهای سیاسی اند ، که این امر باعث می شود تا تصمیم گیری مشخص در باره آن ها ، حاد شود . در سند ایده استراتژیکی

<sup>44</sup> J. Lewis, op. cit. See also: M. Dodge, B. Spring, *President Obama Should Not Unilaterally Reduce U.S. Nuclear Arsenal*, "The Foundry", 03/01/2012, [www.blog.heritage.org]

<sup>45</sup> S. Pifer, op. cit., p. 23. Five alternative DCA postures, including the transfer of all B61 bombs and keeping all NATO DCA forces in the US have been presented in: G. Perkovich, M. Chalmers, S. Pifer, P. Schulte, J. Tandler, op. cit., p. 17-19.



در سال ۱۹۹۹ هم این ویژگی با این جمله تائید شد: منظور و هدف اصلی قدرت هسته ای پیمان متفقین ما، سیاست است.<sup>۴۶</sup>

بمب های " بی - ۶۱ " علی رغم مدل و انواعشان و یا اینکه در کجا قرار گرفته اند و یا اینکه ارزش جنگی - تهاجمیشان تا چه حد است، قبل از هر چیز به عنوان سبب جذب شدن آمریکا در پیمان آتلانتیک شمالی محسوب می شود، که این مسئله برای کشورهای تازه عضو سازمان ناتو، حائز اهمیت است و موجب بالا رفتن سطح مکانیزم وابستگی و روح همبستگی و شانس برای کسب جایگاه بهتر در سازمان ناتو، می شود. برای مثال: ترکیه از کشورهایی است که دید اینچنانی به این مسئله دارد و به هیچ وجهی تغییرات را قبول نخواهد کرد، چون ایجاد بخشی از عوامل سپر هسته ای در این کشور، حتی اگر هم هیچ ارزش نظامی نداشته باشد، حیثیت و اعتباری به این کشور داده و روابطش را با آمریکا حسنه تر می کند. کشور فرانسه هم به دلایلی که در بالا به آن ها اشاره شد، به تغییر و تحولات در این زمینه روی خوش نشان نمی دهد، چون خارج کردن بمب های " بی - ۶۱ " از اروپا، مشروعیت قانون فرانسه در خصوص در اختیار داشتن تسلیحات هسته ای را تضعیف می کند، پس بهتر است تا پیشی گرفته نشود و وضع موجود، باقی بماند. سیاست گریز از تصمیم گیری هم در عمل باعث می شود تا دکترین ناتوی استفاده از سلاح های تاکتیکی هسته ای فقط به صورت تئوری روی کاغذ باقی بماند و این سازمان خود به خود خلع سلاح شود.

#### قدرت نظامی هسته ای آمریکا در اروپا ( ۲۰۱۴ )

کشور	ایپایگاه	حجم پایگاه	هوایپماهای دی - سی - ای	تعداد هوایپماها [1]	تعداد بمب های " بی - ۶۱ "
بلژیک	Kleine Brogel	44	F-16AM/BM	59	10 - 20
آلمان	Büchel	44	Tornado IDS	69	10 - 20
ایتالیا	Aviano	72	F-16C/D ایالات متحده آمریکا	21	50
	Gheddi Torre	Mniej niż 40	Tornado IDS	55	10 - 20
هلند	Volkel	44	F-16AM/BM	72	10 - 20
ترکیه	Incirlik	?	F-16C/D <sup>[2]</sup>	213	60 - 70
مجموع					150 - 200

مجموع - شامل هوایپما هائی می شود که در خدمتند و نه فقط هوایپماهای " دی-سی-ای"- به نقل از: میلیتاری بالانس

(۱)

<sup>46</sup> NATO (1999): *The Alliance's Strategic Concept*, paragraph 62; G. Perkovich, M. Chalmers, S. Pifer, P. Schulte, J. Tandler, op. cit., p. 9.

استفاده از هواپیماهای ترکیه به عنوان " دی سی - ای " مطمئن نیست . به عقیده ترکیه ، چنین امکانی وجود ندارد . منابع نزدیک به " پنتاگون " می گویند : ترکیه هواپیما های " اف-۱۶ " خود را در اختیار عملیات های هسته ای ناتو قرار داده (۲)

Design	Type	Platform	Yield (kt)	Estimated numbers
EXISTING				
B61-3	Tactical	F-15E , F-16A/B/C/D , Tornado IDS	0,3 ; 1,5 ; 60 ; 170	200 in stockpile, ~90 deployed in Europe
B61-4	Tactical	F-15E , F-16A/B/C/D , Tornado IDS	0,3 ; 1,5 ; 10 ; 50	200 in stockpile, ~90 deployed in Europe
B61-7	Strategic	B-2A, B-52H	10 – 360	430 in stockpile, 215 active
B61-10	Tactical	F-15E , F-16A/B/C/D , Tornado IDS	0,3 ; 5 ; 10 ; 80	100 in inactive stockpile
B61-11	Strategic	B-2A	400	36
PLANNED				
B61-12	Tactical	B-2A, F-15E, F-16A/B/C/D, F-35, Tornado IDS	0,3 ; 1,5 ; 10 ; 50	~400

Source: Federation of American Scientists (2011)

### B61 Nuclear Bomb versions

کتاب ها و مقالات

- Beach H., Gurr N., *Flattering the Passions: Or, the Bomb and Britain's Bid for a World Role*, IB Tauris: London-New York 1999.
- Chalmers M., Somerville A. [ed.], *If the Bombs Go. European Perspectives on NATO's Nuclear Debate*, Royal United Service Institute for Defence and Security Studies 2011.
- Collina T.Z., *Cartwright Urges Nuclear Spending Cuts*, Arms Control Association, September 2012, [[www.armscontrol.org](http://www.armscontrol.org)].
- Croft S., Dorman A., Rees W., Uttley M., *Britain and Defence 1945-2000*, Routledge: New York 2013.

- Dodge M., Spring B., *President Obama Should Not Unilaterally Reduce U.S. Nuclear Arsenal*, “The Foundry”, 03/01/2012, [[www.blog.heritage.org](http://www.blog.heritage.org)].
- Duignan P., *NATO: Its Past, Present, and Future*, Stanford 2000, p. 22. See also: S. Pifer, *NATO, Nuclear Weapons and Arms Control*, Brookings Institute 2011.
- Kristensen H.M., *B61-12: Contract Signed for Improving Precision of Nuclear Bomb*, “FAS Strategic Security Blog”, 28/11/2012, [[www.blogs.fas.org](http://www.blogs.fas.org)].
- Kristensen H.M., *Non-Strategic Nuclear Weapons*, Federation of American Scientists, May 2012.
- Kristensen H.M., *US Navy Instruction Confirms Retirement of Nuclear Tomahawk Cruise Missile*, FAS Strategic Security Blog, 18/03/2013, [[www.blogs.fas.org](http://www.blogs.fas.org)].
- Kristensen H.M., *Status of U.S. Nuclear Weapons in Europe 2010*, Federation of American Scientists 2010, p.1, [[www.fas.org](http://www.fas.org)].
- Lewis J., *A Steal at \$10 Billion*, “Foreign Policy”, 05/09/2012, [[www.foreignpolicy.com](http://www.foreignpolicy.com)].
- Meier O., *NATO’s new Strategic Concept and the future of tactical nuclear weapons*, “Nuclear Policy Paper”, British American Security Information Council – Institute for Peace Research and Security Policy at the University of Hamburg, November 2010.
- Meier O., *Reports of German Nuclear Pledge Denied*, Arms Control Association, October 2012, [[www.armscontrol.org](http://www.armscontrol.org)].
- Muys M., *US Tactical Nuclear Weapons at Kleine Brogel in the Context of Contemporary International Developments*, Flemish Peace Institute, 22/09/2010, [[www.nonproliferation.edu](http://www.nonproliferation.edu)].
- Nichols T., Stuart D., McCausland J.D. [ed.], *Tactical Nuclear Weapons and NATO*, U.S. Army War College – Strategic Studies Institute 2012.
- Norris R.S., Kristensen H.M., *US Tactical Nuclear Weapons in Europe, 2011*, “Bulletin of the Atomic Scientists”, without date, [[www.nonukes.nl](http://www.nonukes.nl)].
- Perkovich G., Chalmers M., Pifer S., Schulte P., Tandler J., *Looking Beyond the Chicago Summit. Nuclear Weapons in Europe and the Future of NATO*, “The Carnegie Papers”, Carnegie Endowment for International Peace, April 2012.
- Seay T., *Escalation by Default? The Future of NATO Nuclear Weapons in Europe*, “NATO Policy Brief”, European Leadership Network, May 2012, [[www.europeanleadershipnetwork.org](http://www.europeanleadershipnetwork.org)].
- Skaarup H., *Ohio Warbird Survivors 2003: A Handbook on Where to Find Them*, Lincoln 2003.
- *The B61 (Mk-61) Bomb. Intermediate yield strategic and tactical thermonuclear bomb*, Nuclear Weapon Archive, 09/01/2007, [[www.nuclearweaponarchive.org](http://www.nuclearweaponarchive.org)].
- *The Military Balance 2013*, International Institute for Strategic Studies, London 2013.
- York H.F., *The Advisors: Oppenheimer, Teller, and the Superbomb*, Stanford University Press: Stanford 1976.

#### اسناد

- *Deterrence and Defence Posture Review*, 20/05/2012.
- *NATO (1999): The Alliance’s Strategic Concept*.
- *NATO (2010): The Alliance’s Strategic Concept*.
- *Nuclear Posture Review Report*, Department of Defense, April 2010.
- *The Presidential Nuclear Initiatives (PNIs) on Tactical Nuclear Weapons at a Glance*, Arms Control Association, August 2013, [[www.armscontrol.org](http://www.armscontrol.org)].

## مجلات و نشریات

- 22 American nuclear bombs are stored in the Netherlands: media, “Dutch News”, 10/06/2013, [[www.dutchnews.nl](http://www.dutchnews.nl)].
- Bildt C., Sikorsky R., *Next, the Tactical Nukes*, “New York Times”, 01/02/2010, [[www.nytimes.com](http://www.nytimes.com)].
- Coffey L., *Dutch Parliament Votes to Ditch the Joint Strike Fighter*, “The Foundry”, 13/07/2012, [[www.blog.heritage.org](http://www.blog.heritage.org)].
- Dempsey J. ., *German parties press U.S. to withdraw nuclear arms*, “The New York Times”, 23/06/2008, [[www.nytimes.com](http://www.nytimes.com)].
- *Five NATO States Want U.S. Nukes Out of Europe*, Report Says, Nuclear Threat Initiative, 19/02/2010, [[www.nti.org](http://www.nti.org)].
- *Germany opts for a farewell to NATO nuclear weapons*, “RT”, 28/10/2009, [[www.rt.com](http://www.rt.com)].
- *Germany Yet to Decide on Buying New Nuke-Ready Fighter Planes*, Nuclear Threat Initiative, 14/09/2013, [[www.nti.org](http://www.nti.org)].
- *New German government to seek removal of US nuclear weapons*, “Deutsche Welle”, 25/10/2009, [[www.dw.de](http://www.dw.de)].
- *US nukes to stay in Germany – media*, “RT”, 06/09/2013, [[www.rt.com](http://www.rt.com)].
- Schmidt H., von Weizsäcker R., Bahr E., Genscher H.D., *For a Nuclear Weapons-Free World*, Nuclear Age Peace Foundation, 13/01/2009, [[www.wagingpeace.org](http://www.wagingpeace.org)].
- *Tactical Nukes in Europe a "Tiny Fraction" of Cold War Arsenal*, Report Says, Nuclear Threat Initiative, 18/01/2011, [[www.nti.org](http://www.nti.org)].
- Wieten J., *Former Dutch PMs facing possible charges for revealing nukes on Dutch soil*, “Shanghai Daily”, 13/06/2013, [[www.shanghaidaily.com](http://www.shanghaidaily.com)].
- *Yankee Bombs Go Home: Foreign Minister Wants US Nukes out of Germany*, “Der Spiegel”, 10/04/2009, [[www.spiegel.de](http://www.spiegel.de)].

# NATO Tactical Nuclear Weapons in Europe – towards Modernisation or Withdrawal?

Robert Czulda  
??????????????

[rczulda@uni.lodz.pl](mailto:rczulda@uni.lodz.pl)

Almost during the entire period of the Cold War (1945-1991) tactical nuclear weapon (TNW) had been one of the pillars of NATO's doctrine of nuclear deterrence. This weapon was intended as a substitute for conventional forces and in case of the Soviet invasion on Western Europe, NATO planned to use it in order to destroy armoured and mechanized divisions of the Warsaw Pact. Now, many years after the end of the Cold War, a group of opponents of maintaining TNW in NATO's bases in Europe is increasing. Many experts believe that such weapon has now a very little combat value. Despite this NATO member states still have not taken any binding decisions about the future of tactical nuclear weapons.

The purpose of this article is to analyze the approach of NATO member states to tactical nuclear weapons, its evolution, as well as the analysis of possible future scenarios. The basic research question concerns the question - whether NATO should follow the path of modernization, or a full withdrawal of its tactical nuclear weapons?

***Keywords: nuclear policy, NATO, security, defense, defense doctrine***